

بررسی حجاب در میان ملل باستانی و ادیان تومییدی

طلعت ده پهلوان*

پژکیده

امروزه بیش از هر زمان دیگری، نگرشی نو، به استخراج مسائل و مشکلات روز و بیان آنها برای نسل جوان، نیاز است و حجاب همواره یکی از شاخصه‌های اجتماعی دینداری تلقی شده است. مطالعات تاریخی در ادیان توحیدی نشان می‌دهد که پوشش مناسب همواره مورد تأکید آموزه‌های دینی بوده است، هرچند تاریخ حجاب و پوشش کنونی زنان مسلمان به سده‌های آغازین اسلام باز می‌گردد، اما به سادگی می‌توان مدعی شد که حجاب مختص دین اسلام و ادیان دیگر نیست، بلکه در میان اقوام و ملل مختلف نیز وجود داشته است، زیرا لباس و پوشش، طبیعی‌ترین نیاز هر انسانی و به ویژه زنان است که از رهگذر آن می‌توان خود را از آسیب‌های اجتماعی حفظ کرد.

آنچه مسلم است، این است که قبل از اسلام، حجاب بوده است. در واقع، اسلام واضع قانون حجاب نیست، بلکه فقط به آن رسمیت خاصی بخشید، تا با روحیه زنان سازگار باشد، در حالی که در سایر ادیان، از جمله دین یهود، افراط زیاد و سخت‌گیری فراوان در مورد حجاب شده است.

به هر حال حفظ حجاب و پوشش زنان در ادیان، متناسب با فطرت زنان و برحسب شرایط خاصی است و در ادیان زرتشت، یهودیت، مسیحیت و اسلام لازم و واجب شمرده شده است. در این مقاله، ضمن بحث در مورد واژه حجاب پوشش زنان در اقوام کهن و ادیان توحیدی به نقش اسلام در تعدیل آن هم خواهیم پرداخت.

واژه‌های کلیدی: حجاب، ملل، ادیان.

* دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ اسلام.

مقدمه

عمر حجاب و پوشش و لباس انسان‌ها به اندازه تاریخ آفرینش اوست و در طول تاریخ همواره مطرح بوده است. لباس هر انسانی به منزله هویت ملی و نشانه‌های کشور اوست و نوع پوشش بر اساس یک سری ارزش‌ها و اعتقادات در هر جامعه معین می‌شود. بسیاری از افراد مغرض و سودجو، پوشش و لباس را ظالمانه و جاهلانه جلوه دادند و دلایلی برای این مسئله ذکر کرده‌اند، از جمله: عدم امنیت و عدالت اجتماعی، استثمار اقتصادی زن توسط مرد، احساس اینکه زن در آفرینش همیشه چیزی از مرد کم‌تر دارد، لذا با زنان با حجاب باید ترک معاشرت کرد.^۱

از این مطالب بر می‌آید که پوشش زن، از امتیازات مهم و خاص در وجود انسان است. غریزی و فطری بودن این میل، موجب شده است که این موضوع به اصل مهمی در همه ادیان الهی و غیرالهی و توحیدی هم بدل شود. داستان حضرت آدم و حوا نیز به فطری بودن پوشش در میان انسان‌ها اشاره دارد: در آن هنگام که آدم و حوا از درخت ممنوعه چشیدند، پوشش خود را از دست دادند. پس با برگ درختان خود را پوشاندند.^۲

مفهوم لغوی حجاب

حجاب از نظر لغوی، از مصدر «حجب و یحجب» است و در کتاب‌های لغت به پوشاندن در پرده کردن و نگه داشتن، معنا شده است.^۳ حجاب، واژه‌ای عربی است و به معنای پوشش، آنچه بدان خود را می‌پوشانند، حایل، پرده، ستر و نقابی که چهره خود را بدان می‌پوشانند، آمده است.^۴ استاد شهید مطهری درباره مفهوم حجاب، بیان کرده‌اند که:

معنی شایع این لغت پرده است و اگر در مورد پوشش به کار برده شود، به اعتبار پشت پرده واقع شدن زن است و همین امر موجب شده که عده زیادی گمان کنند که اسلام خواسته است زن همیشه پس پرده و در خانه محبوس باشد، در حالی که پوشش زن در اسلام این است که زن در معاشرت خود با مردان، بدن خود را بپوشاند و به خودنمایی

نپردازد.

وقتی از رابطه پاک و سالم زن و مرد سخن رانده می‌شود، این رابطه به ابزاری، به نام حجاب نیاز دارد، لذا حجاب، ابزاری مناسب برای حضور سالم زن در اجتماع است. علاوه بر این، نکته مهم دیگر اینکه، رعایت حجاب، فرصت رشد شخصیت در ارتباطات اجتماعی را بیشتر فراهم می‌کند. انسانی که پیوسته نگران زیبایی خود است، بیشتر در جهت معرفی پیکر خود می‌کوشد، زندگی‌اش تحت فرمان و اراده‌اش نیست و آن چنان زندگی می‌کند که دیگران می‌پسندند، نه آن گونه که خود می‌پسندد. انسان بی‌حجاب، در اندیشه نمایش دادن زیبایی خویش به دیگران است، که این امر زمینه حقارت انسان را می‌نماید و زمینه رشد و تعالی وی را نابود می‌کند. در حالی، که جنس زن هم مانند مرد از نظر انسانی نیاز به رشد و تکامل دارد. اما کسی که با نمایش و جلوه دادن زیبایی ظاهری خود و انتخاب پوشش با معیار جذابیت‌های ظاهری، اصالت و ارزش وجودی خود و جامعه را در نمی‌یابد. در واقع، زن بودن برای او اهمیت دارد، نه انسانیتش.^۵

بنابراین، مشخص شد که حجاب، ابزار مناسبی است تا نیاز به اجتماعی بودن زنان به بهترین نحو پاسخ داده شود. پوشش مناسب و عفاف، راه قانونمندی است که به زنان کمک می‌کند تا به همراه این سلاح مطمئن، بتوانند به طور برابر و در کنار مردان و هم دوش آن‌ها، در اجتماع حضوری فعال داشته و راه پیشرفت، ترقی و تکامل را طی کنند.

حجاب در میان ایرانیان باستان

بر طبق متون تاریخی، در اکثر اقوام و ملل، حجاب و پوشش در میان زنان، رایج بوده است. این امر در طول تاریخ، دستخوش تغییرات فراوانی شده و گرایش‌های مختلف سیاسی، مذهبی و غیره، بر آن تأثیرگذار بوده است، اما در میان اقوام تمدن‌های عهد باستان، پوشش زن ایرانی در مقایسه با پوشش تمدن‌های دیگر کامل‌تر است. از این رو، در هیچ کتیبه‌ای نمی‌توان زن ایرانی را حتی با سر برهنه مشاهده کرد. روت ترنر در کتاب «تاریخ لباس» به پرده‌نشین بودن زن ایرانی در عهد باستان چنین اشاره می‌کند:

از زنان ایرانی عهد باستان، اندکی تندیس به جای مانده است؛ زیرا زنان در زندگی

اجتماعی شرکت چندانی نداشتند.^۶

در مورد پوشش زنان ایران باستان، مطالب زیادی در تاریخ وجود دارد. ویل دورانت، درباره پوشش زنان ایران عهد باستان می‌گوید:

زنان طبقات بالای اجتماعی، جرئت نداشتند که جز در تخت روان روپوش‌دار، از خانه بیرون بیایند. به آن‌ها اجازه داده نمی‌شد که آشکارا با مردان اختلاط کنند. در آثار و کتیبه‌هایی که از ایران باستان بر جای مانده، صورت هیچ زنی دیده نمی‌شود.^۷

در ایران باستان، زنان ایرانی برای حفظ حیثیت طبقه ممتاز از زنان عادی، صورت خود را می‌پوشانیدند و گیسوان خود را پنهان می‌داشتند. البته، آئین ایرانیان در آن دوران، زرتشتی بوده و استفاده از چادر رواج داشته است. در واقع، پوششی بوده که موی سر زنان را می‌پوشانده و تا نزدیکی زانوهای می‌آمده است. برای همین است که چادر بیشتر از آنکه سنتی عربی باشد، پوششی ایرانی است.^۸

در کتاب «پوشاک باستان ایرانیان» می‌خوانیم:

... مرد و زن به واسطه اختلافی که میان پوشش سرشان وجود دارد، از هم تمیز داده

می‌شوند.^۹

درباره دوره بعد از مادها، هخامنشیان نیز می‌نویسد:

وقتی به برخی از نقوش به جا مانده از آن زمان برمی‌خوریم، می‌بینیم که پوششی جالب دارند. زنان، چادری مستطیل شکل بر روی همه لباس خود افکنده و در زیر آن، یک پیراهن با دامن بلند و در زیر آن نیز، پیراهن بلند دیگری تا مچ پا نمایان است.^{۱۰}

زنان عهد اشکانی نیز قبایی تا زانو بر تن می‌کردند، با شنی که برافکنده می‌شد و نیز نقابی داشتند که معمولاً به سر می‌آویختند.^{۱۱} حجاب در دوره ساسانیان نیز چنان اهمیتی داشته که درباره آن نوشته‌اند:

حتی لباس هنر پیشه‌گان زن، مانند لباس‌های بلند سایر بانوان، تا پشت پا کشیده شده

است.^{۱۲}

هنگامی که سه تن از دختران کسری، پادشاه ایرانی عهد ساسانی را با ثروت فراوان و اموال بسیار نزد عمر آوردند، شاهزادگان ایرانی در برابر او، در حالی که با پوشش نقاب، خود را پوشانده بودند، ایستادند.^{۱۳}

حجاب در میان یونان باستان

زنان یونان، هم مانند سایر ملل و اقوام باستانی پوشش ویژه‌ای برای خود داشتند. آن‌ها صوت و اندامشان را تا روی پا می‌پوشاندند. این پوشش که شفاف و بسیار زیبا بود و در بسیاری جزایر شناخته شده و یونان مرسوم بود. زنان فنیقی نیز دارای پوشش قرمز بودند. سخن درباره لغت حجاب، در لابه لای کلمات قدیمی ترین مؤلفین یونانی نیز به چشم می‌خورد، حتی همسر پادشاه ایتاک با حجاب بوده است. مردمان این شهر حتی صورتشان را با پارچه می‌پوشاندند. این پارچه دارای دو منفذ بود که جلوی چشمان قرار می‌گرفت تا بتوانند ببینند. در اسپارت دختران تا زمان ازدواج آزاد بودند، اما بعد از ازدواج خود را از چشم مردان می‌پوشاندند. نقش‌هایی که بر جای مانده حکایت می‌کند که زنان سرشان را می‌پوشاندند، ولی صورت‌هایشان باز بوده است و وقتی به بازار می‌رفتند، بر آنان واجب بود که صورت‌هایشان را بپوشانند. حجاب در بین زنان آسیای صغیر هم وجود داشته است. زنان رومانی از حجاب شدیدتری برخوردار بودند. به طوری که وقتی از خانه خارج می‌شدند، با چادری بلند، تمام بدن را تا روی پا می‌پوشاندند.^{۱۴}

ویل دورانت، از یکی از تاریخ نویسان غربی، شواهد زیادی دال بر وجود حجاب در بین زنان یونان باستان آورده است. این مورخ می‌گوید:

زنان فقط در صورتی می‌توانستند خویشان و دوستان خود را ملاقات کنند و در جشن

های مذهبی و تماشاخانه‌ها حضور یابند که کاملاً در حجاب باشند.^{۱۵}

در داستان‌های کهن یونانیان، آرتمیسیس، الهه عفت است و عالی‌ترین نمونه و الگو برای دختران یونانی است، زیرا به زیور عفت و تقوی آراسته است.^{۱۶}

حجاب در میان روم باستان

در میان زنان روم در دوره جمهوری اول، زنان پوششی بر سر نداشتند. تعداد زیادی مجسمه و آثار از زنان این دوره بر جای مانده است. در دوران اگوستوس، بین سال‌های ۶۳ قبل از میلاد و ۱۴ بعد از میلاد، پوشش دیگری بر لباس زنان افزوده شد. طی چندین قرن برای پوشش سر، استفاده از ردای بلند در میان بانوان روم، نمودی طبیعی یافت. بنابراین، در نیمه اول هزاره بعد از میلاد، حجاب سر و جامه بلند در میان زنان شمال آفریقا و سواحل شرقی مدیترانه نیز گسترش یافت. شکل دیگر پوشش در این سرزمین، پارچه بزرگی است که به منزله ردایی تمام بدن را می‌پوشاند و این جامه را هم مردان و هم زنان می‌پوشیدند، اما

به گونه‌ای متفاوت از یکدیگر. مهم‌ترین منابع این اطلاعات، درباره شکل پوشش در این ناحیه، تندیس‌ها و آثار به جای مانده از این دوران است که تصویری از نوع پوشش زنان و مردان را نشان می‌دهد که این امر به خوبی نشان می‌دهد که زنان خود را می‌پوشاندند.^{۱۷}

مجاب در آئین زردشت

در سیر تاریخ ایران باستان، مطالعات تاریخی نشان می‌دهد که زنان ایران باستان از زمان مادها که نخستین ساکنان این دیار بودند، دارای حجاب کاملی، شامل: پیراهن بلند چین‌دار، شلوار تا مچ پا، چادر و شنلی بلند بر روی لباس‌ها بودند.^{۱۸} این حجاب، در سلسله‌های مختلف پارس‌ها نیز معمول بوده است.^{۱۹} در زمان زردشت، چه قبل و بعد از او، زنان ایرانی از حجابی کامل برخوردار بوده‌اند^{۲۰} و بر طبق متون تاریخی در عهد ایران باستان، پوشیدن موی سر و داشتن لباس بلند رایج بوده است و زنان هر چند با آزادی در محیط بیرون خانه، رفت و آمد می‌کردند و هم‌پای مردان به کار می‌پرداختند، ولی این امور با حجاب کامل و پرهیز از اختلاط‌های فسادانگیز همراه بوده است. جایگاه فرهنگی پوشش در میان زنان نجیب ایران زمین به گونه ای است که در دوران سلطه کامل شاه، هنگامی که خشایار شاه به ملکه «وشی» دستور داد که بدون حجاب به بزم بیاید تا حاضران، زیبایی اندام او را بنگرند، وی امتناع کرد و از فرمان پادشاه سر باز زد و عنوان «ملکه ایران» را از دست داد.^{۲۱} خلاصه اینکه حجاب سختی در این دوره رایج بوده است. اهمیت حجاب در نزد زنان زردشتی تا بدین حد بالاست که در حادثه اسارت دختران انوشیروان، آن‌ها تازیانه‌ها را به جان خریدند، اما حاضر به کنار زدن حجاب و پوشش خود نشدند.^{۲۲}

ویل دورانت از این وضعیت زنان در عهد باستان می‌نویسد:

در زمان زردشت پیامبر، زنان همان منزلت عالی خود را با کمال آزادی خود در جامعه داشتند زنان شوهر دار حق نداشتند که پدر یا برادرشان را ببینند. در نقش‌هایی که در ایران باستان بر جای مانده، صورت هیچ زنی زن دیده نمی‌شود و نامی از ایشان به نظر نمی‌رسد.

این بیانات، از سخت‌گیری ایرانیان نسبت به حجاب حکایت می‌کند، به طوری که پدر و برادر زن شوهردار از محارم وی محسوب نمی‌شدند، در مورد پوشاک ایرانیان این چنین آمده است که: پوشش لباس زنان زردشتی، شباهت زیادی به پوشش زنان بختیاری ولر دارد.^{۲۳}

حجاب در آئین یهود

گویا یک گرایش فطری، انسان‌ها را به سوی نوعی پوشش فرا می‌خواند که دین یهود هم از این امر مستثنی نیست و این امر از قدیم الایام به دقت رعایت می‌شده است. بسیاری از مورخین و دانشمندان، رعایت حجاب در میان اقوام دیگر، مثل ایران و عرب، را در اثر تعامل و ارتباط آن‌ها با ملت یهود می‌دانند و از سخت‌گیری‌هایی زیاد آنان در این زمینه اشارات زیادی کرده‌اند.

در اصول اخلاقی تلمود آمده است که:

اگر زنی به نقض قانون یهود می‌پرداخت، چنان که مثلاً بی‌آنکه چیزی بر سر داشته باشد، به میان مردم رفت، یا با هر سنخی از مردان درد دل می‌کرد و یا صدایش آن قدر بلند بود که چون در خانه‌اش تلکم می‌نمود، همسایگان سخنان او را می‌شنیدند، در آن صورت مرد حق داشت که بدون پرداخت مهریه، زن را طلاق دهد.^{۲۴}

همچنین در جایی دیگر در تلمود آمده است:

شخص باید از هر وضعی که شور و شهوات نفسانی را برمی‌انگیزد، دوری جوید، نباید بیش از اندازه تکلم نماید و هرگز نباید به هنگام راه رفتن پشت سر زنی (حتی زن خویش) قدم بردارد. ... اگر مرد در عقب شیر ژیان گام بردارد، بهتر است تا پشت سر زنی حرکت کند.^{۲۵}

چنانچه ملاحظه می‌شود. آن‌چه در آئین یهود و قانون تلمود آمده، اصول و دستورات سنگینی است که تحمل آن بسیار دشوار می‌نمایند، همچنین رعایت حجاب از طرف زنان انبیاء و بزرگان بنی‌اسرائیل در تورات کنونی و تلمود، کاملاً مشهود است، به طوری که عدم رعایت حجاب و عفت را یکی از علل نزول عذاب الهی در قوم بنی‌اسرائیل دانسته‌اند. در طول تاریخ، رواج حجاب در میان بانوان یهود، مورد تأیید مورخان بوده و عدم رعایت آن، مجازات داشته است، به خصوص برای زنان متأهل.

پس از رنسانس و ظهور تحولات اجتماعی اروپا و ایجاد فضای دین‌گریزی در غرب، شعائر مذهبی، از جمله رعایت پوشش و حجاب رو به ضعف نهاد و گاهی بعضی از زنان یهودی تحت تأثیر فضای اجتماعی دوران تجدد، حجاب خود را کنار گذاشته و از کلاه‌گیس و امثال آن استفاده می‌کردند.^{۲۶}

بدون تردید، مبنای حجاب در شریعت یهود، آیات تورات بود که بر حجاب تأکید می‌کرد. کاربرد واژه «برقع» که به معنای چادر و روپوش صورت است، در آیات زیادی تکرار شده است و افزون بر این، وجوب پوشاندن موی سر در برابر نامحرمان بسیار تأکید شده است. به هر حال، رعایت حجاب در دین یهود، بدیهی بوده و به اشکال مختلف به آن اشاره شده است. ارزش حجاب در این دین، به حدی است که در موردی برای تنبیه زنان خطاکار، دستور به باز کردن موقتی حجاب آن‌ها داده شده است.^{۲۷} بنابراین، می‌توان گفت که سیره عملی یهودیان، مبنی بر استفاده از چادر و برقع، جدا بودن عبادتگاه‌های زن و مرد در کنیسه، ناشایست شمردن اشعاری که در تمجید و وصف زیبایی زنان سروده شده و بسیاری از سخت‌گیری‌های دیگر که بیانگر اجرای سخت و شدت عمل قوانین و سیره یهودیان در مورد کیفیت پوشش و حجاب است.

حجاب در آئین مسیحیت

در مسیحیت هم مانند سایر ادیان الهی، حجاب امری رایج و مورد تأکید است. مسیحیت، نه تنها احکام دین یهود در مورد حجاب را تغییر نداد، بلکه قوانین شدید آن را استمرار بخشید و در برخی موارد قدم را فراتر نهاد و با سخت‌گیری بیشتری وجوب حجاب را مطرح کرد؛ زیرا در یهودیت تشکیل خانواده و ازدواج امری مقدس محسوب می‌شد، اما از دیدگاه مسیحیت قرون اولیه، تجرد، مقدس شمرده می‌شود. بنابراین، برای از بین بردن تهییج جنسی، زنان به رعایت عفت کامل و دوری از هرگونه آرایش به صورت شدیدتری فراخوانده شدند. عیسی مسیح که پیامبر صلح و دوستی است، تأکید زیادی بر ترک امور دنیایی و لذات دنیوی دارد، لذا رهبانیت در قرن ۴ و ۵ در این آئین به وجود آمد و زنان راهبه مسیحی با رعایت حجاب و عفت کامل مشغول خدمت به مردم شدند.

پس از رنسانس، با تضعیف پای‌بندی به دین، تعظیم همه شعائر دینی و نیز رعایت حجاب رو به افول گذاشت و انقلاب صنعتی به آن شدت بخشید. در قرون اخیر، نیز در اثر توسعه سکولاریسم، پای‌بندی به حجاب بیش از هر عصر دیگر رو به افول نهاده است.^{۲۸}

جرجی زیدان، دانشمند مسیحی، درباره تاریخ حجاب می‌گوید:

اگر مقصود از حجاب، پوشانیدن تن و بدن است، این وضع پیش از اسلام و حتی پیش از ظهور دیانت مسیح معمول بوده و دیانت مسیح هم تغییری در آن نداده است و تا اواخر قرون وسطی در اروپا معمول بوده و آثار آن، هنوز در خود اروپا باقی مانده است.^{۲۹}

ویل دورانت در مورد سیره عملی زنان مسیحی می‌نویسد:

وقتی که کشیشان چادر و روبند را یکی از ارکان اخلاق عیسوی دانستند، به دستورشان، زنان، چادرها را از حریر زربفت ساختند.^{۳۰}

همچنین در متون تاریخی اشاره شده است که استفاده از برقع و چادر در بیرون خانه و هنگام عبادت، جزء ارکان اخلاق عیسوی محسوب می‌شد و اختلاط با مردان حتی در کلیسا ممنوع و آرایش و تزئین حتی در روبندها مردود تلقی می‌شد.^{۳۱}

مجاب در آئین اسلام

اسلام که کامل‌ترین دین الهی است و برای همیشه و همه بشریت از طرف خداوند نازل شده، وجوب پوشش و حجاب برای زنان را با تعدیل و انتظام مناسبی به جامعه بشری ارزانی داشته است و بدین ترتیب از انحرافات که در مورد پوشش زن وجود داشته، دوری کرده است و در تشریح قانون حجاب حد و مرزی متناسب با غرایز انسانی در نظر گرفته است. بر اساس اصل لزوم هماهنگی و تناسب آفرینش و قانون‌گذاری (روم - آیه ۳۰) خداوند، لباس و پوشاک را در لابه‌لای نعمت‌های بیکرانیش به بشر ارزانی داشته است (اعراف - آیه ۲۷). اشتیاق درونی زنان به حجاب را با تشریح قانون پوشش مستحکم ساخت تا گوهر هستی زن صیانت شود و جامعه از فرو افتادن در گرداب فساد و تباهی نجات یابد.

از ابن عباس نقل شده:

آدم - علیه‌السلام - پس از یک توقف کوتاه در بهشت که نصف روز از روزهای آخرت بود در کوه نوذ در کشور هندو حوا^۱ به جده پیاده شدند. آن‌ها برهنه و عریان بودند. خداوند امر کرد که یکی از هشت جفت قوچی که از بهشت به ایشان عطا کرده بود، ذبح کنند، سپس حوا^۱ پشم آن‌ها را رست و آدم از تائیده‌های آن، یک جامه بلند برای خود و یک پیراهن و روسری جهت حوا^۱ بافت. پس بدین وسیله، بدن انسان‌های نخستین با

پوشاک و لباس پوشیده شد و از برهنگی و شرمندگی نجات یافت.^{۳۲}

این روایت‌ها می‌رساند که پیش از اسلام، حجاب و پوشش بوده و بشر در بدو خلقت، قبل از آن‌که شرایع آسمانی به او ابلاغ شود. در واقع، انسان نخستین، هم مأمور به پوشش خود می‌گردد، یا همان داستان شاهزادگان ایرانی که عمر از آن‌ها تقاضای برداشتن حجاب کرده بود و با وساطت و عنوان کردن روایتی از پیامبر (ص) توسط حضرت علی (ع) از کرده خود پشیمان شد. آن حضرت که فرمودند:

از پیغمبر خدا شنیدم که فرمودند: بزرگ و شریف بدار هر قومی که خوار و فقیر شده

است.^{۳۳}

در این باره روایات بسیاری است که از عنوان کردن آن‌ها اجتناب می‌کنیم، همین بس که این‌گونه داستان‌ها وجود حجاب و پوشش را در همه مراحل زندگی انسان اثبات می‌کند. نخستین سؤالی که در باب حجاب مطرح است و برجسته‌ترین آیه در قرآن، که می‌تواند دلیل بحث ما باشد، آیه «غض»، یعنی چشم پوشی است:

به مردان باایمان بگو که دیدگان فرو نهند و دامن‌ها حفظ کنند، این برای شما پاکیزه‌تر

است. خدا به کارهایی که می‌کنید آگاه است. به زنان باایمان بگوئید دیدگان خویش را

بخوابانند و دامن‌های خویش حفظ کنند و زیور خویش آشکار نکند، جز آنچه نمایان

است.^{۳۴}

شناخت فلسفه حجاب از مسائل مهمی است که آگاهی از آن می‌تواند یکی از پایه‌های تحقق فرهنگ پوشش اسلامی شود و به آن معنا بخشد. هدف اصلی تشریح احکام در اسلام، طبق آیات قرآنی، قرب الهی است که به وسیله تزکیه نفس و تقوی به دست می‌آید. (حجرات، آیه ۱۳) همچنین هدف از تشریح حکم الهی و وجوب حجاب اسلامی، دست‌یابی به طهارت، عفت و پاکدامنی ذکر شده است. (نور، ۲۱) در احادیث و روایات مختلفی نیز ضرورت توجه به حجاب مطرح شده است. از امام علی (ع) در این زمینه می‌فرمایند: «پوشیدگی زن به حالش بهتر است و زیبایی‌اش را پایدارتر می‌سازد.»^{۳۵}

از مجموع مباحث مطرح شده، به روشنی معلوم می‌شود که مراد از حجاب اسلامی، پوشش و حریم در هنگام معاشرت زنان با مردان نامحرم در شیوه‌های مختلف رفتار با آنان است. بنابراین، همین حجاب به منزله مانع و حائل میان زن و مرد نامحرم است که مانع تصرف در حریم ناموس دیگران می‌شود و به شأن

انسانی آن‌ها لطمه‌ای وارد نمی‌شود. برای تحقق این هدف، اسلام دستورات ویژه‌ای برای زنان مسلمان بیان می‌کند. این دستورات با توجه به شرایط خاص زمان و مکان قابل تغییر می‌باشد، اما همواره اصل کلی، حفظ شأن انسانی زن است که باید رعایت شود و در این زمینه، تمام فرق اسلامی حجاب را واجب می‌دانند و در این امر، اتفاق نظر دارند که زنان باید هنگام ادای نماز و در حضور مردان بیگانه و نامحرم موی سر و تمام بدن خود، به استثنای صورت و دست‌ها را بپوشانند و این امر همواره رعایت شده است.^{۳۶}

جمع‌بندی

آنچه در این تحقیق مورد بحث قرار گرفت، نگاهی اجمالی به مسئله حجاب از دیدگاه اسلام و دیگر ادیان و اقوام باستان بود. این بحث، پاسخ به این مسئله بود که آیا حجاب، صرفاً مورد توجه اسلام بوده و در دیگر اقوام و ملل باستانی و ادیان توحیدی مطرح نبوده است؟ طبق آنچه بیان شد، روشن شد که مسئله حجاب علاوه بر اسلام، در میان اقوام و ادیان باستانی و الهی مطرح بوده و اهمیت ویژه‌ای هم داشته است. بررسی متون تاریخی ثابت کرده که حجاب در بین زنان معمول بوده است، هر چند دچار کاستی‌هایی هم شده و با اعمال سلیقه حاکمان تشدید یا تخفیف داده می‌شد، ولی هیچ‌گاه از بین نمی‌رفت. مورخان به ندرت از پوشش نامناسب زنان در طول تاریخ یاد می‌کنند.

طبق بررسی‌های انجام شده در ادیان توحیدی، وجوب حجاب در همه ادیان و فرق اسلامی، امری مسلم است.

نکته دیگر اینکه، از ادیان توحیدی، فطری بودن حجاب استنتاج می‌شود. دلیل ما مشروعیت آن در ادیان دلیل است.

نکته سوم اینکه، در بررسی حدود و کیفیت حجاب در ادیان چهارگانه استنباط می‌شود که حجاب و پوشش در ادیان دیگر نسبت به اسلام از شدت بیشتری برخوردار بوده است. مورخان، نه تنها از مرسوم بودن حجاب در بین زنان یهود سخن گفته‌اند، بلکه به افراط‌ها و سخت‌گیری‌های بیش از حد آنان در این زمینه، با صراحت کامل اشاره شده است.

نکته چهارم اینکه، حجاب از دیرباز جزء عادات و آداب ملل متمدن جهان بوده و اسلام، آن را به صورتی

متناسب و موافق با مصالح اجتماعی درآورد و به صورت یک حکم مذهبی قرار داده است. اسلام در این مورد هم اعتدال را رعایت کرده است. به طور مثال، در ادیان دیگر (مسیحی - یهودی - زردشتی) روبند از ارکان اخلاقی محسوب می‌شود، در حالی که در اسلام، پوشانیدن صورت واجب نیست و اکثر فقها در این زمینه متفق‌القول هستند. این امر، ناشی از اعتدال در احکام اسلامی است. اسلام این موضوع را در اصلی معتدل استوار کرده است. در حجاب اسلامی، سهل‌انگاری مضر و سخت‌گیری‌های بی‌جا وجود ندارد، این نوع حجاب، با فطرت عقیف زن هم‌خوانی دارد.

نکته پنجم اینکه، دین اسلام؛ با در نظر گرفتن چارچوب متعادل و با توجه به آزادی زنان در تمام عرصه‌های زندگی اجتماعی، حجاب را مسئله‌ای واجب دانسته است و با توجه به فلسفه واقعی آن، بدون ایجاد هیچ‌گونه محدودیتی زن را از قرار گرفتن در معرض خطرات ظاهری و باطنی محفوظ می‌دارد. حجاب اسلامی، آن گونه که غرب تبلیغ می‌کند، به معنی حبس زن در خانه یا پرده‌نشینی و دوری جستن در مسائل اجتماعی نیست، بلکه بدین معناست که زن در معاشرت خود با مردان بیگانه، موی سر و اندام خود را بپوشاند و به جلوه‌گری و خودنمایی نپردازد.

نکته پایانی اینکه، در بررسی‌هایی که میان ادیان صورت گرفت، گر چه در هیچ یک از این ادیان الهی به لباس یا وسیله خاصی برای پوشش زن اشاره نشده و حکم به صورت کلی مبنی بر وجوب پوشاندن اندام و موی سر و دوری از آرایش و خودآرایی بیان شده است، ولی استفاده از چادر، چارقد، روبند و حتی برقع، در بین پیروان همه ادیان مورد تحقیق، معمول بوده است. آنچه مسلم است، اینکه حجاب قبل از اسلام در ادیان و اقوام مختلف رواج داشته و اسلام مبدأ این رسم نبوده است و تنها تشریح حدود آن، توسط اسلام صورت گرفته است.

پس می‌توان پا را فراتر نهاد و ادعا کرد که حجاب، ریشه در فطرت بشر دارد:

فَلَمَّا دَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَرَائِهِمَا وَ طَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ ...؛^{۳۷} پس آن دم

که چشیدند از آن درخت، پدیدار شد برای ایشان عورتشان و آغاز کردند که بپسباندند بر

عورتشان از برگ درخت بهشت.

آنچه از این آیه مشخص می‌شد، فطری بودن پوشش است و این برای اثبات مدعا کافی است.

پی‌نوشت:

۱. مرتضی مطهری، *مسئله حجاب* (قم: انتشارات صدرا).
۲. *اعراف*، آیه ۲۲.
۳. حسین حسینی، *سراج* (تهران: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۰) ص ۲۴۳.
۴. علی آشنایی، *حجاب در ادیان الهی* (قم: اشراق، ۱۳۷۳) ص ۱۰.
۵. ناتانیل براندل، *روانشناسی حرمت خود*، ترجمه جمال هاشمی، ۱۳۸۳.
۶. میترا مهرآبادی، *زن ایرانی به روایت سفرنامه نویسان فرنگی* (تهران: انتشارات آفرینش، ۱۳۷۹).
۷. ویل دورانت، *تاریخ تمدن*، ترجمه احمد آرام و دیگران (تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۶) ص ۴۳۴.
۸. لسایت ویکی پریا.
۹. جلیل ضیاءپور، *پوشاک باستانی ایرانیان* (تهران: انتشارات هنرهای زیبای کشور، ۱۳۴۳).
۱۰. محمد فرید وجدی، *دایرة المعارف قرن ۲۰ تا ۱۴*، (مصر: مطبعة دایرة المعارف القرآن المعشرین) ص ۷۵.
۱۱. *همان*، ص ۱۹۷.
۱۲. علی سامی، *تمدن ساسانی* (شیراز، ۱۳۶۸) ص ۱۸۶.
۱۳. فتحیه فتاحی زاده، *حجاب از دیدگاه قرآن و سنت*، ج ۱ (قم: انتشارات حوزه علمی قم) ص ۲۴.
۱۴. محمد فرید وجدی، *پیشین*، ص ۳۳۵.
۱۵. ویل دورانت، *پیشین*، ص ۳۴۰.
۱۶. *همان*، ص ۵۲۰.
۱۷. سایت *تبیان*، ۱۳۸۲.
۱۸. جلیل ضیاءپور، *پیشین*، ص ۱۷-۲۶.
۱۹. *همان*، ص ۷۴-۱۹۴.
۲۰. علی آشتیانی، *پیشین*، ص ۹۵.
۲۱. فرهست قائم مقامی، *آزادی یا اسارت* (بی جا)، ص ۱۰۶.
۲۲. علی آشتیانی، *پیشین*، ص ۸۹.
۲۳. *عسگری*، ص ۳.

-
۲۴. ویل دورانت، پیشین، ج ۴، ص ۴۹۱.
۲۵. همان، ص ۴۶۰.
۲۶. سایت ویکی پریا.
۲۷. تورات، کتاب روت، سفر اعداد، باب دوم، فقره ۸-۱۰.
۲۸. سایت ویکی پریا.
۲۹. جرجی زیدان، تاریخ تمدن اسلام، ترجمه جواهر کلام، ص ۹۴۲.
۳۰. ویل دورانت، پیشین، ج ۱۳، ص ۴۹۸-۵۰۰.
۳۱. علی آشتیانی، پیشین، ص ۱۲۸-۱۳۰.
۳۲. فتحیه فتاحی زاده، پیشین، ص ۸۳.
۳۳. همان، ص ۹۵.
۳۴. نور، آیه ۳۴.
۳۵. فتحیه فتاحی زاده، پیشین، ص ۹۸.
۳۶. اعراف، آیه ۲۲.